



ارتباط مستقیم بین سواد سلامت مردم و سرمایه اجتماعی

امروزه در کنار سرمایه های انسانی و اقتصادی ، سرمایه دیگری به نام سرمایه اجتماعی (social capital) نیز مورد توجه قرار گرفته است . سرمایه اجتماعی ، یا بعد معنوی یک اجتماع ، میراثی تاریخی است که از طریق تشویق افراد به «همکاری» و «مشارکت» در تعاملات اجتماعی ، قادر است به حل میزان بیشتری از معضلات موجود در آن اجتماع ، فائق آید و حرکت به سوی رشد وتوسعه شتابان اقتصادی ، سیاسی ، فرهنگی و ... را امکان پذیر سازد .

*دکتر حسن جان فدا: امروزه در کنار سرمایه های انسانی و اقتصادی ، سرمایه دیگری به نام سرمایه اجتماعی (social capital) نیز مورد توجه قرار گرفته است . سرمایه اجتماعی ، یا بعد معنوی یک اجتماع ، میراثی تاریخی است که از طریق تشویق افراد به «همکاری» و «مشارکت» در تعاملات اجتماعی ، قادر است به حل میزان بیشتری از معضلات موجود در آن اجتماع ، فائق آید و حرکت به سوی رشد وتوسعه شتابان اقتصادی ، سیاسی ، فرهنگی و ... را امکان پذیر سازد .

به گزارش سلامت نیوز در واقع ، سرمایه اجتماعی را می توان در کنار سرمایه های اقتصادی و انسانی ، بخشی از ثروت ملی به حساب آورد که بستر مناسبی برای بهره برداری از سرمایه انسانی و فیزیکی (مادی) و راهی برای نیل به موفقیت قلمداد می شود . بدون سرمایه اجتماعی ، هیچ اجتماعی به هیچ سرمایه ای نمی رسد ، به طوری که بسیاری از گروه ها، سازمان ها و جوامع انسانی ، بدون سرمایه اقتصادی و صرفا با تکیه بر سرمایه انسانی و اجتماعی توانسته اند به موفقیت دست یابند ، اما هیچ مجموعه انسانی ، بدون سرمایه اجتماعی نمی تواند اقدامات مفید و هدفمندی انجام دهد .

از سوی دیگر ، سرمایه اجتماعی ، به زندگی فرد ، معنی و مفهوم می بخشد و زندگی را ساده تر و لذت بخش تر می کند . پس به طور کلی می توان گفت : هر چه سرمایه اجتماعی ملتی بیشتر باشد ، آن ملت ، خوشبخت تر و ثروتمندتر خواهد بود .

یک محقق و تحلیل گر حوزه سلامت با اشاره به اینکه سازمان های متعددی در افزایش ایمنی و کاهش مخاطرات بالقوه که در جامعه وجود دارد نقش آفرین هستند از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی-صدا و سیما- هلال احمر- آموزش و پرورش- جهاد کشاورزی- دامپزشکی -وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - وزارت علوم- پلیس راهور- پلیس راه-وزارت راه-سازمان حمل و نقل و پایانه ها-محیط زیست و...به عنوان سازمانهای نام برد که بطور مستقیم و غیرمستقیم به مردم آموزش داده و در ارتقای سواد سلامت مردم موثرند. از اینرو میتوان با قاطعیت اعلام کرد که اکثریت سازمانها در آموزش سلامت به مردم فعالیت دارند.

این آموزش ها جدا از سازمانهای مردم نهادی است که به مردم آموزش های متعدد در حوزه سلامت می دهند و در ارتقای سواد سلامت جامعه نقش آفرین هستند.

بدون تردید باید گفت آموزش و ارتقای سلامت مردم بایستی با رویکرد ارتقای سرمایه اجتماعی رونق بگیرد. با بالا رفتن سواد سلامت مردم به نوعی سرمایه گذاری انجام گرفته است. جامعه سالمتر کمتر دچار بیماریها شده و هزینه های کمتری بطور مستقیم و یا غیر مستقیم بر کشور وارد می کند. به عنوان نمونه سالیانه حدود 8% از تولید ناخالص ملی ما ایرانیان در حوادث ترافیکی از دست می رود. با این حجم پول از دست رفته که بالغ بر دهها میلیارد دلار است میتوان صدها هزار شغل ایجاد کرد و در سطح ملی از آسیب های وسیعی جلوگیری نمود و در جاهای دیگر سرمایه گزاری نمود که قطعا به رشد بهره وری و شاخص رشد توسعه ملی کشور منجر خواهد شد.

موضوع حوادث و آن هم بطور خاص حوادث ترافیکی را مثال می زنیم:در سال گذشته 16584 نفر از عزیزان مان در حوادث ترافیکی کشته شده اند و بیش از 313/000 نفر مجروح شده اند که درصد قابل توجهی از آنان معلول دائمی می شوند که تبعات اقتصادی-اجتماعی-فرهنگی و...آنها بسیار سنگین بوده و چه خانواده هایی که با این اتفاقات از هم پاشیده شده و یا ضربات مهلکی به آنها وارد شده است.

یا به عنوان نمونه بیماریهای غیر واگیر دیگر مثل سقوط از بلندی ناشی از حوادث کار، بیماریهای قلبی عروقی، سکت های مغزی، بیماریهای کبدی،چاقی، دیابت، بیماریهای شغلی،بیماریهای تنفسی ناشی از آلودگی هوا، اعتیاد،بیماریهای روحی و روانی و...آسیب های دیگر که به آموزش ناکافی و سواد سلامت پایین مردم بر می گردد.براستی چرا وضعیت اینچنین است؟

در این مقال نمیتوان به تمامی ابعاد موضوع پرداخت اما ارتباط مستقیم بین "سواد سلامت"مردم و "سرمایه اجتماعی" در حوزه

سلامت است. با وقوع این اتفاقات و خسارات که فرد، خانواده و جامعه را درگیر کرده و می کند وجود دارد که بطور جداگانه قابل بحث و واکاوی است.

در مورد حوادث ترافیکی 3 عامل انسان، محیط و خودرو مسببین یا عاملین حادثه هستند که سهم هر یک بطور جداگانه محاسبه شده است. سهم عامل انسانی را بیش از 70% می داند و سهم آن دو را مجموعاً کمتر از 30%. اما عامل چهارمی را باید به آن اضافه کنیم و آن هم "سیاستگذاری" است. قطعاً سیاست گذاری انجام گرفته در حمل و نقل و ترافیک و خودرو و آموزش عمومی مردم و... بسیار موثر بوده و هست.

توسعه حمل و نقل ریلی یکی از استراتژی های اساسی دولت است. با توسعه حمل و نقل ریلی احتمال وقوع برخورد یا تصادف کاهش چشمگیری پیدا می کند. ایمنی حمل و نقل ریلی به مراتب از حمل و نقل جاده بیشتر است. آمارها حاکی از آنست که حمل و نقل ریلی بشدت حوادث ترافیکی ناشی از جابجایی مسافرین را کاهش می دهد و هر کشوری در این خصوص سرمایه گذاری بیشتری نماید در کاهش مرگ و میر و تعداد مجروحین و معلولین ناشی از تصادفات موفق تر بوده و بنوعی سرمایه های اجتماعی در سایه توجه دولت به سلامت مردم پرنرنگتر می شود و در نهایت موجب نگهداشت نیروی انسانی و سایر منابع مرتبط در حمل و نقل شده و بنوعی به رشد بهره وری ملی رونق بخشیده است.

حمل و نقل عمومی و استفاده از خودروی جمعی یکی از سیاستهای اثر گذار در حوزه حمل و نقل خواهد بود که بشدت در کاهش تصادفات در حوزه ترافیکی موثر است. استفاده از مترو، اتوبوس، مینی بوس و ون نه تنها در کاهش تعداد خودروها در سطح شهر موثر است بلکه در کاهش آلودگی ها نیز موثر است.

سازمانهای دولتی و غیر دولتی در افزایش "سرمایه اجتماعی" بسیار موثرند. مثال دیگر میزنیم: نقش پیشگیری و مبارزه با آلودگی هوا در بروز، شیوع و درمان بیماریها با اشاره به مقاله آقای دکتر محمد زکریا پزشکی، مدیر گروه پزشکی اجتماعی مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی بر سلامت دانشکده پزشکی تبریز مهم است: ایشان معتقدند "آلودگی هوا یکی از عوامل اصلی تهدید کننده سلامتی جسمی و روانی مردم در شهرهای بزرگ ایران است.

آلودگی هوا از عوامل مستعد کننده اصلی بیشتر بیماریهای شایع و رو به رشد در ایران است. گستره بیماریزایی آلودگی هوا در طول زندگی انسان، از آسیب زدن به اسپرم انسان شروع و تا به خطر افتادن سلامت سالمندان ادامه دارد.

یکی از عوامل خطر اصلی ناباروری مردان آلودگی هوا می باشد. مواجهه جنین با ذرات آلاینده هوا از طریق جفت خطر پیش فعالی را در کودکان افزایش می دهد. آلودگی هوا با ایجاد اختلال در رشد جنین، احتمال تولد کودکان با وزن پایین را افزایش می دهد.

چاقی یکی دیگر از معضلات بهداشتی رو به رشد و مهم در ایران است. چاقی احتمال بروز بسیاری از بیماریها را افزایش می دهد. باید توجه داشت که آلودگی هوا خطر بروز چاقی را افزایش میدهد. آلودگی هوا نه تنها از طریق افزایش بروز چاقی، بلکه مستقیماً از طریق افزایش مقاومت به انسولین در بدن انسان احتمال بروز بیماری دیابت را افزایش می دهد.

آلودگی هوا یکی از عوامل اصلی بروز بیماریهای شایعی مانند انواع سرطانها، سکته قلبی، سکته مغزی و اسم است. احتمال بروز فیبریلاسیون دهلیزی و آپاندیسیت حاد با افزایش غلظت آلاینده در هوا افزایش می یابد. متأسفانه در سالهای اخیر پدیده بیماری زای: ریزگردها با منشاء خارجی "به معطل آلودگی هوای شهرها اضافه شده است. آسیب پذیری بیماران قلبی و ریوی، کودکان و سالمندان در برابر آلودگی هوا از سایرین بیشتر است."

مشارکتهای مردمی و همکاریهای سازمان ها و ادارات پیش شرط اصلی مبارزه موثر با آلودگی هواست. موضوع "سرمایه اجتماعی" آنقدر وسیع است که به هر میزان بر روی "نقش آموزش" سرمایه گذاری شود به بیراهه نرفته ایم.

نکنه بسیار حائز اهمیت اینکه "آموزش" صرفاً برای ارتقای سواد مردم نیست، متأسفانه "سواد سلامت" بسیاری از مدیران و تصمیم گیران جامعه پایین است. به عنوان نمونه "جانمایی" مراکز صنعتی آلوده کننده هوا در مسیر بادهای غالب که مواد آلاینده را به سطح شهر گسیل می دارند، احداث صنایع آبخواه و عدم بکارگیری تکنیک آمایش سرزمینی، تولید خودروهای ناایمن، احداث جاده های نا ایمن، ورزش و تحرک ناکافی، عدم منع مواد خوراکی مضر سلامت مردم، دخانیات و قلیان، مواد

مخدر، عدم توجه کافی به توسعه زیرساختها در افزایش سلامت مردم، عدم اعمال قوانین موجود برای ارتقای ایمنی مردم و.... نمونه هایی از غفلت و ناآگاهی برخی مدیران است که خسارات سنگینی به سلامت مردم وارد می کند.

جان کلام آنکه "سرمایه اجتماعی" ثروت ملی است باید "مراقبت" شود. تشویق افراد به «همکاری» و «مشارکت» در تعاملات اجتماعی، به ما در حل معضلات موجود کمک می کند و حرکت به سوی رشد و توسعه شتابان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... را امکان پذیر سازد.

*دکترای تخصصی مدیریت بهداشت و درمان